

# الباب الحادى و العشر من الواحد الثامن فى غسل الميت...

حضرت باب

اصلى فارسى



ORIGINAL



AUDIO

الباب الحادى و العشر من الواحد الثامن فى غسل الميت  
 ثلاث مرات على ذلك الترتيب: الاول الرأس و تقول يا  
 فرد ثم البطن و تقول يا حى ثم اليمين و تقول يا قيوم ثم  
 الشمال و تقول يا حكم ثم رجل الايمن و تقول يا عدل ثم  
 رجل الايسر و تقول يا قدوس بماء او بما شاء من كافور و  
 سدر و ليكفنه بخمس لبس و يجعل الخاتم فى يمينه بما هو  
 مكتوب عليه فى الرجال: ”و لله ما فى السموات و الارض  
 و ما بينهما و كان الله بكلشيء عليما“ و فى النساء: ”و لله  
 ملك السموات و الارض و ما بينهما و كان الله على  
 كلشيء قديرا“.

ملخص اين باب آنكه كل احكام بيان بر اسرار توحيد و معرفت جارى شده كه اگر كسى نظر كند از مبدأ تا  
 منتهى آن ماء توحيد را در كل بريك نهج جارى مى بيند و اذن داده شده در مقام غسل ميت يكمرته  
 واجب و الى الثلاثة او الخمسه اذن داده شده زيرا كه مراتب توحيد در پنج رتبه ذكر ميشود در ﴿لا اله الا  
 هو﴾ و ﴿لا اله الا انا﴾ و ﴿لا اله الا الله﴾ و ﴿لا اله الا انت﴾ و ﴿لا اله الا الذى﴾ و چنين نفسى اگر در  
 ظهور ميبود و در سنه اول مؤمن ميگرديد بظهور توحيد هر آينه الى سنه خمس منتهى ميگشت بآخر مراتب  
 توحيد از اين جهت است كه يكدفعه واجب گشته و مراتب رباع كل خواهند متحمل شد اگر عسرى نباشد  
 و اذن داده شده از رأس و بطن و يدین و رجلین و در حين اشتغال بثناء و حمد الهى ذاكر گردد او را و بآنچه  
 در حیات او از هر فصل مقتضى بوده از سردى ماء يا گرمى آن لایق است كه بهمان نحو غسل داده شود بر  
 ايدى اتقياء و بعد از فراغ اگر میسر است بماء ورد یا طيب ديگر معطر نمايند

و اذن داده شده در کفن به پنج ثوب از حریر گرفته تا منتهای درجات قطن منتهی گردد و بر آن زیاده از نوزده اسم جایز نیست که نوشته شود هر که هر چه خواهد نویسد

و قدری تربت از قبر اول و آخر با او دفن نمودن سبب میگردد که حزنی مشاهده ننماید بعد از موت و در جنت الهی بآنچه ما میباید او بوده و هست متلذذ گردد

و برید یمین او خاتمی منقوش اذن داده شده در رجال ”و لله ما فی السموات و الارض و ما بینهما و کان الله بکلشیء علیما“ و در نساء ”و لله ملک السموات و الارض و ما بینهما و کان الله علی کلشیء قدیرا“

و تقلب میت را در هر حال بشأنی نموده که دون وقار و سکون در حق او جاری نگردد زیرا که احترام جسد مؤمن احترام مؤمن است و اسماء سته یا مطلق اسم الله از اول انتقال آن تا آخر بقلب یا بلسان مشتغل گردد

و بدانکه موت مثل حیات است اگر میت بایمان بآن ظهور قبض روح شود در جنت الهی متلذذ خواهد بود و الا در نار است و مراقب بوده که یوم قیامت نشود و قبض روح نفسی شود و در نار رود و ملتفت نشود چنانچه از یوم ظهور رسول الله - صلی الله علیه و اله - تا امروز هر نفسی که در غیر ایمان باو قبض روح شده در جنت داخل نشده و همچنین از اول ظهور بیان هر نفسی که در آن قبض شود خداوند است قابض آن بملائکه که موکلند بر او و داخل جنت میگردد اگر مطابق آنچه خداوند در بیان فرموده اطاعت کرده باشد و اگر در غیر ایمان قبض روح شود اگر عمل ثقلین نماید که نفع باو نمی بخشد و اگر بعد از موت او کل خیرات از برای او شود که نفع باو نمی بخشد الا اینکه ایمان آورد بخداوند و آیات او و اطاعت نماید محبوب خود را بآنچه در بیان نازل فرموده لعل آنوقت درک کند او را رحمت الهی و در جنت خلق مخلد گردد

و مراقب باش ظهور ”من یظهره الله“ را که اگر شنوی ظهور او را و بقدر اینکه بگوئی بلی تأمل نمائی در نار هستی چه قبض روح شوی چه در حیات باشی این است مراد خداوند در نزد هر ظهور از هر نفسی مراقب باش که در صعقهای یوم قیامت بیرون نروی که صعقهای آنروز ظهورات حزنی است که وارد میشود و آیات ممتنعه است که ظاهر میگردد در حق ظاهر بظهور یا اریاح جنتی است که از صبح ازل میوزد بر هیاکل افنده کل موجودات مثل آنکه اگر در این ظهور نظر کنی کل را مشاهده میکنی

و زیارت کن موتی را در هر عدد واحد یک واحد و شئون دیگر در این باب نازل شده که خواهی شاهد شد بر او در لوح آن قل الله یتوفیکم بامرہ ولیأمرن الملائکة ان یقضبن عباده المؤمنین

و همین قسم که روح مؤمن را ملائکه قبض میفرمایند بامر خداوند روح غیر مؤمن را هم شیاطین قبض مینمایند چنانچه هر کس در ظل بیان عروج نماید قابض روح آن ملائکه عالیند و هر کس در غیر بیان موت او را

رسد یا دون آن ملائکه نزدیک نمیآیند زیرا که مؤمن مس نمیکنند او را چگونه بملک رسد و اگر کشف غطا شود از عیون شیاطین آنها هم نمیکنند از شدت حرارت نار در آن الا آنکه چون در حجابند قبض روح میکنند و بخزانه نار میسپارند

و روح مؤمن بین یدی الله حاضر میشود و همین قسم روح دون مؤمن در حد خود خداوند نظر بر او نمیافکند و امر میفرماید بنار که اون را بگیر و توکل کن بر خداوند که موت تو را درک نکند و از برای خداوندی که عبادت کرده چون بر سبیل نبوده جزا داده نشوی یوصیکم الله فی انفسکم ثم کل عبادہ لعلکم تتقون.

